

# تصویر زن در سینمای تجاری هند

## رنگین و پر زرق و برق، اما سطحی و غیر واقعی

■ لیلا رستگار

نگاه این نوشته، به ست فیلمهای کارگردانان خاص و پشرو هند نیست. کارگردانانی چون ساتیا جیت رای که به زن نگاهی واقعی، مثبت و گاهی آرمانی دارند و شخصیتهای اصلی زن فیلمهای خود را از زنانی میگیرند که ویژگیها و صفات ممتاز اخلاقی دارند که گاهی در مرکز حوادث به عنوان یک عنصر تعیین کننده قرار میگیرند و واکنشهای ممتاز، منطقی و متناسب با ویژگیهای والای انسانی از خود بروز می دهند - آنچه در پی می آید نگاهی است به تصویری که از زن در سینمای عام و تجاری هند ارائه می شود و بی شک با تصویر فیلمسازان مستعد و متفاوت سینمای هند تضادی چشمگیر دارد.

رسانه های جمعی وظایف مشخصی در پیشبرد اهداف اجتماعی جوامع دارند و وظیفه سینما به عنوان رسانه ای که زبان گویای تصویری و تأثیرگذار دارد، اگر بیشتر از رسانه های دیگر نباشد کمتر نیست. سینما به عنوان یک رسانه موفق می تواند وسیله خوبی برای آموزش و انتقال آگاهها باشد و چون ابزاری، برای باز پس گرفتن حقوق از دست رفته به کار رود. ولی آیا چنین اتفاقی در سینمای تجاری هند به وقوع می پیوندد؟ پاسخ، متأسفانه منفی است.

هند سرزمینی پهناور است با مردمی که بسیار متنوع می اندیشند، خدایان فراوان دارند و باورهای آئینی بسیار گوناگون. اما آنچه آنها را به هم نزدیک می کند، هنرهایی است که از اعماق باورهای قوی سر بیرون می آورد، پهنه وسیع این سرزمین را در می نوردد و چون حسی غریب سایه ای بر سر همه اقوام می افکند و اینجاست که نقش سینما - به عنوان رسانه ای دوست داشتنی و جذاب - در هند تعیین کننده تر می شود؛ که مردم هند، اگرچه مثل هم فکر نمی کنند ولی سینما را بسیار دوست دارند.

در چنین شرایطی است که نگاه این رسانه به هر چیزی می تواند در پیدایی زندگی ای نوین اثر بگذارد، بسازد یا تخریب کند و متأسفم که باید بگویم نگاه سینمای هند به زن، نگاهی تخریب کننده، بی هویت و نامتناسب با نیازهای این جامعه است.

شاید این سوال پیش آید که چرا باید به نقش زن در سینمای هند به طور مجزا پرداخت؟ مگر نه اینکه آن نگاه بی هویت سینمای تجاری هند به سوی مردان نیز به همان اندازه دوخته شده است. این سوال درستی است اما باید گفت که نگاه ویژه به نقش زن در سینمای تجاری هند نه از سر باورهای فنیستی است که این نگاه خاص، به دلایل بسیاری صورت می گیرد:

۱- سینما در شکوفایی فرهنگی، نقشی غیر قابل انکار دارد و این تأثیر در تغییر ساختارهای فرهنگی، سستیهای قومی - که گاهی به خرافات نزدیک می شود - و رابطه های اجتماعی و انتقال پیامهای فرهنگی نیز تعیین کننده و چشمگیر است.

۲- زن هندی یکی از مظلومترین زنان تاریخ است که سالیان سال در معرض قربانی شدن در مسلخ باورهای خرافی قرار گرفته و نقشهای متعدد او در به مقصد رساندن بار زندگی از مادر دلسوز تا «تأمین کننده معاش زندگی» - که حتی گاهی در نقش کارگر ساختمانی دیده می شود - نگاه ویژه ای می طلبد.

۳- سرزمین هند با وسعت بسیار و تنوع باورهای قومی و آئینی که گاهی بسیار ریشه دار و زمانی بسیار غیر انسانی و واپس گرایانه است، نگاه سخت و غیر قابل ترحمی به زن دارد که وظیفه سینما تعدیل آن است.

به این ترتیب است که نگاه درست به نقش زن در سینمای هند چنان اهمیتی می یابد که بی توجهی به آن و غرق شدن در تصاویر رنگی و ساز و آواز سینمای هند، اتهام نگاه غیرمستولانه را بر پیشانی ما حکم خواهد کرد. نگاهی که سینمای تجاری هند به زن دارد، شاید نگاهی متفاوت با دیگر تاجران سینمایی در اقصی نقاط جهان نباشد، چرا که تاجران سینمایی در همه دنیا نگاهی مشترک به همه چیز دارند. آنها همه چیز و همه کس را به شکل ابزاری برای سودآوری هرچه بیشتر می بینند. زن و مرد برای آنان تنها در میزان سوددهی است که متفاوت جلوه



● دشمن مردم - ساخته ساتیا جیت رای

می کنند نه چیز دیگر. بنابراین شاید اگر قرار بود درباره نقش زن در سینمای تجاری هالیوود صحبت کنیم، حرفها تکراری به نظر می رسید، اما آنچه نگاه ویژه، به نقش زن در سینمای هند را می طلبد، شاید به نوعی مظلومیت تاریخی زن هندی باشد. حداقل زن غربی گمان می کند که می تواند حقوقش را تأمین کند که زن عام هندی مظلومتر از این حرفهاست.

خلاصه اینکه زن سینمای تجاری هند زنی غیرواقعی، سطحی، بی مایه با نقشی حاشیه ای است.

زن در زندگی واقعی هند هنوز قربانی می شود؛ دختر بچه ها را هنوز در این سو و آن سوی سرزمین زیبای هند چون حیوانی در پیشگاه پنهان قربانی می کنند و زن سینمای هند در رقص و آوازی بی هویت، چشمهای گرسنگان هندی را تسخیر می کند.

دختران هندی دسته دسته در فشار باورهای خرافی، خودکشی می کنند و زن سینمای هند، بزک کرده و شوخ و شیطانی، زندگی پر زرق و برقی را به نمایش می گذارد. زن دنیای واقعی هند در هیأت یک کارگر ساختمانی آجرها را در بالای سر خود جابجا می کند تا لقمه نانی برای کودکان گرسنه اش ببرد ولی زن سینمای هند در قالبی به ظاهر مدرن

- گرچه هنوز موهای بلند است ولی آرایش اروپایی دارد - سطحی ترین مدرنیسم را به تماشا می گذارد.

زن اندیشمند هندی با غلبه بر همه باورهای تحمیلی تلاش می کند راهی برای زندگی بهتر قوش بیابد، در حالی که زن سینمای هند با سطحی ترین نگاه به زندگی، همه ویژگیهای مثبت این جنس را انکار می کند.

زن هنرمند هندی در گوشه ای، سعی در معنی کردن حرکت انگشتان و حرکتهای صورت رقصهای آئینی را دارد و زن سینمای هند پرده سینماها را با رقصی که دیگر هندی نیست و حتی عربی و غربی و خلاصه هیچ چیز نیست به تصرف خود درمی آورد. رقصی که از حرکات موزون اصیل هند هیچ ندارد و تنها به جهشهایی بی معنی می ماند.

زن واقعی در زندگی روزانه هند، زنی است که بی هیچ ادعایی تا سر حد مرگ ایستادگی و پایداری می کند ولی سینمای تجاری هند در بهترین شکل خود صبری بی مایه و از سر ضعف را به تماشا می گذارد که تنها به اعتراض تماشاگر آگاه منتهی می شود.

زن واقعی امروزی هند تلاش می کند نقشی تعیین کننده و حضوری خلاق، صبورانه و خودباورانه داشته باشد، حضوری شخصیتی، فرهنگی و اندیشمندانه ولی زن سینمای هند با حضور صرفاً جسمی خود، این تلاشها را بیرنگ و پاکرنگ می کند.

زن آگاه هندی با تلاشی پیگیر می خواهد جادوی فئاتسم خرافی را بی اثر کند؛ زن سینمای هند - نهائیا اگر بخواند حقوق خود را باز ستاند - در نقش مار و استحاله ای از انسان به مار و به زور رقص و آواز هندی می خواهد از مظلومیت خود خارج شود و آیین نهایت هنرمندی سینمای تجاری هند است که مثلاً نقشی دوگانه «زن - مار» بازیگر اصلی را القاء کند.

خلاصه اینکه زن در سینمای تجاری هند چهره ای غیرواقعی، بزک شده و ناتوان دارد. این زن یا قربانی جنسی است یا وسیله ای برای سودآوری. نگاه به زن در این سینما، نگاهی خرافی و سطحی نگر است. زن در این مجموعه یا معشوقه است یا قربانی، یا رقصنده است یا خواننده، یا جادوگر است یا ابله و یا شخصیتی زودرنج مبتذل و بی پایه دارد یا زنی است که صبر و تحمل غیرواقعی اش تا حد مرگ غیر قابل تحمل است. زن این سینما اگر بخواند مبارزه کند، حتماً باید رزمی کار شود - نگاه کنید به خیل زنان کاراته باز در سینمای به اصطلاح امروزی هند - یا با صدای زیر و گریه های بی امان، اشک تماشاگر را دریاورد.

کوتاه سخن، که زن سینمای تجاری هند تصویری بت گونه، وام گستر، مستزلزل و بسیار سطحی دارد و حضوری صرفاً جسمانی و این تصویر زمانی اهمیت پیدا می کند که در گذری از خیابانهای هند شوق و شور مردانی را شاهد باشیم که در جلو فروشگاه فروش لوازم صوتی صف کشیده اند تا فیلمی را که از تلویزیون پخش می شود، تا انتها ببینند یا مردمانی که ساعتها در ایستگاه های قطار به طور ایستاده و با گردنی رو به بالا می ایستند تا فیلمهای تلویزیونی را از طریق تلویزیونهای که از سقف آویزان است، تماشا کنند. اینجاست که تصویر زن سینمای هند چنان عظمتی پیدا می کند که آدم تصویری واقعی و منطبق بر شرایط بومی و جغرافیایی این سرزمین پهناور را آرزو می کند و آیا این از سینمای جادویی برنمی آید؟

فراموش نکنیم هر آنچه گفته شد درباره سینمای تجاری هند بود؛ اگر نه سینمای هند، ساتیا جیت رای را هم دارد با «چارولانا» و «خانه ودنیایش و زنانی هوشمند با ویژگیهای مثبت، زنی واقعی که در سرزمین زیبای هند کم نیستند. جیت رای خود اعلام می کند «نوعی تجلی فکری از زنان مورد توجه اوست که باهوش و شعور آنان تعریف می شود.»

اما زنان سینمای تجاری هند از گونه ای دیگرند ...